



سرشناسه:	مدنی، محمدهادی، ۱۹۷۵-م.
عنوان و نام پدیدآور:	دگرگونی سیاسی در ترکیه و پیامدهای داخلی و خارجی آن؛ با تأکید بر دوره حزب عدالت و توسعه / محمدهادی مدنی.
مشخصات نشر:	قم: مرکز بین‌المللی ترجمه و نشر المصطفی ﷺ، ۱۴۴۰ ق. = ۱۳۹۷.
مرجع تولید:	پژوهشگاه بین‌المللی المصطفی ﷺ
مشخصات ظاهری:	۴۴۸ ص.
شابک:	۹۷۸-۶۰۰-۴۲۹-۴۴۶-۱
وضعیت فهرست نویسی:	فیبا
یادداشت:	کتابنامه: ص. [۴۵۹] - ۴۸۴.
موضوع:	ترکیه -- سیاست و حکومت -- قرن ۲۱ م.
موضوع:	حزب عدالت و توسعه (ترکیه). (AK Parti (Turkey
موضوع:	اسلام و سیاست -- ترکیه؛ Turkey -- Islam and politics
موضوع:	ترکیه -- سیاست و حکومت -- قرن ۲۰ م.
موضوع:	ترکیه -- تاریخ -- کودتای ۲۰۱۶ م
شناسه افزوده:	جامعه المصطفی ﷺ العالمية. مرکز بین‌المللی ترجمه و نشر المصطفی ﷺ
رده بندی کنگره:	DR۴۷۷/م۴۵۸ ۱۳۹۷
رده بندی دیویی:	۳۲۷/۵۶۱
شماره کتابشناسی ملی:	۵۳۹۱۲۱۸

دگرگونی سیاسی در ترکیه و پیامدهای داخلی و خارجی آن (با تأکید بر دوره حزب عدالت و توسعه)
تألیف: محمدهادی مدنی
چاپ اول: ۱۳۹۷ ش / ۱۴۴۰ ق
ناشر: مرکز بین‌المللی ترجمه و نشر المصطفی ﷺ
● چاپ: نارنجستان ● قیمت: ۴۶۰۰۰ ریال ● شمارگان: ۵۰۰ نسخه

● ایران، قم: خیابان معلم غربی (حجتیه)، نیش کوچه ۱۸
تلفن: +۹۸ ۲۵ ۳۷۸۳۶۱۳۴ دوزنگان: داخلی ۰۱۰-۳۷۸۳۹۳۰۹۸ ۲۵
● ایران، قم: بلوار محمدامین، سه راه سالاریه. تلفن: +۹۸ ۲۵ ۳۲۱۳۳۱۰۶

🛒 <http://buy-pub.miu.ac.ir>

📞 @pub_almostafa

● ناظر گرافیک: مسعود مهدوی
● ناظر چاپ: نعمت‌الله یزدانی

● مدیر انتشارات: سید ایازر هاشمی هریگندنی
● مدیر تولید: جعفر قاسمی ابهری
● ناظر فنی: محمدیاقر شکری

**دگرگونی سیاسی در ترکیه
و پیامدهای داخلی و خارجی آن
(با تأکید بر دوره حزب عدالت و توسعه)**

محمد هادی مدنی



مرکز بین‌المللی
ترجمه و نشر المصطفی

سخن ناشر

با پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی و در عصر جهانی شدن ارتباطات، پرسش‌ها و چالش‌های نوینی در حوزه علوم انسانی فرا روی اندیشمندان مسلمان قرار گرفت که همه به نوعی برخاسته از مسئولیت دشوار حکومت در این عصر است؛ دورانی که پای بندی به دین و سنت در مدیریت همه جانبه کشورها بسیار چالش برانگیز می‌نماید. از این رو مطالعات و پژوهش‌های به روز، جامع، منسجم و کاربردی در حوزه دین، بر اساس معیارهای معتبر جهانی و عمق و اصالت اندیشه‌های ناب، بایسته و ضروری است و جلوگیری از انحرافات فکری و تربیتی پژوهندگان حوزه دین، مهم و مورد عنایت تمامی بنیان‌گذاران این شجره طیبه، به ویژه معمار بزرگ انقلاب اسلامی، امام خمینی رحمته الله علیه و مقام معظم رهبری (دام ظلّه العالی) می‌باشد. «جامعه المصطفی صلی الله علیه و آله و سلم العالمیه» برای تحقق این رسالت خطیر و در مسیر نشر معارف ناب محمدی صلی الله علیه و آله و سلم «مرکز بین‌المللی ترجمه و نشر المصطفی صلی الله علیه و آله و سلم» را تأسیس کرده است.

در پایان لازم می‌دانیم تلاش همه عزیزانی را که در نشر این کتاب سهمی داشته‌اند، سپاس گزارده، ارباب فضل و معرفت را به یاری بخوانیم تا ما را از دیدگاه‌های سازنده خویش بهره‌مند سازند.

مرکز بین‌المللی

ترجمه و نشر المصطفی صلی الله علیه و آله و سلم

مقدمه

ترکیه از یک قرن پیش به این سو، تغییر و تحولات اساسی و دگرگونی‌های بنیادینی را به خود دیده است. افزون بر عوامل خارجی، ریشه این تحولات و دگرگونی‌ها را می‌توان در نزاع‌ها و کشمکش‌های فرهنگی، اجتماعی و سیاسی بین مرکز و پیرامون در اواخر امپراتوری عثمانی جست‌وجو کرد. از این نظر، عبور از نظم امپراتوری و تأسیس جمهوری و نظام سیاسی جدید بر پایه مدل دولت - ملت در ۱۹۲۳ را می‌توان نقطه عطف این تغییرات و تحولات و دگرگونی‌های بنیادین دانست.

ازسوی دیگر، انتقال از نظام تک‌حزبی به نظام تکثرگرایی چندحزبی در دهه پنجاه و حرکت جغرافیایی گروه‌های اجتماعی از نقاط حاشیه‌ای به شهرها و همچنین تغییرات جامعه‌شناختی در دوره جنگ سرد نیز در تاریخ معاصر این کشور، دو عامل مؤثر در تغییر و تحول ساختار نزاع بین مرکز و پیرامون به شمار می‌آید. براین اساس، همچون بسیاری از تحولات دیگر در تاریخ سیاسی معاصر ترکیه، به قدرت رسیدن حزب «عدالت و توسعه» در ۲۰۰۲ و دگرگونی‌های صورت‌پذیرفته در دوره حاکمیت این حزب نیز در این بسترها شکل گرفته و با این چهارچوب نظری، قابل ارزیابی و تحلیل است.

پژوهش حاضر نیز با تکیه بر الگوی تحلیلی و نظریه مرکز-پیرامون و نشان دادن فرازونشیب‌های نزاع معاصر این دو قشر اجتماعی، در صدد تحلیل ماهیت دگرگونی سیاسی صورت گرفته در دوره حزب «عدالت و توسعه» و پیامدهای داخلی و خارجی آن بوده است. در این راستا، از طرفی رویارویی تاریخی گروه‌ها و احزاب متعلق به مرکز و پیرامون در ترکیه با تأکید بر ابعاد فرهنگی و اقتصادی برجسته گردیده، و از سوی دیگر با استفاده از این زمینه و رویکرد تاریخی، چگونگی به قدرت رسیدن حزب عدالت و توسعه، گفتمان‌های متعلق به این حزب مانند: دموکراسی محافظه‌کار و نوعثمانی‌گرایی، اصلاحات ساختاری و کلان سیاسی و کارنامه عملی دولت «اردوغان» و پیامدهای داخلی و خارجی این تغییر و تحولات از سال ۲۰۰۲ تا ۲۰۱۵ مورد بحث قرار گرفته است. اگرچه درباره عمق و دامنه گسترده دگرگونی‌های این سال‌ها سخن بسیار است، در یک جمله می‌توان آن را در قبضه و مصادره شدن مرکز توسط پیرامون خلاصه کرد.

مسئولیت انجام این پژوهش، بر عهده فاضل ارجمند دکتر محمد هادی مدنی بوده است که ضمن تشکر صمیمانه از ایشان، از سایر کسانی که در پژوهشکده علوم انسانی، به گونه‌ای در به سامان رسیدن این اثر نقش داشته‌اند، تقدیر و تشکر به عمل می‌آید.

پژوهشکده علوم انسانی

پژوهشگاه بین‌المللی المصطفی صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

فهرست

پیش‌گفتار.....	۱۱
۱. مباحث نظری.....	۳۵
در آمد.....	۳۵
جهانی شدن.....	۳۷
۱. تعریف، ماهیت و ابعاد جهانی شدن.....	۳۷
۲. جهانی شدن و دولت - ملت.....	۴۲
۳. جهانی شدن، جامعه و سیاست.....	۵۳
نوسازی.....	۵۵
۱. تعریف و مفروضات.....	۵۵
۲. نهادمندی سیاسی و احزاب.....	۵۹
مرکز - پیرامون (نظریه منتخب).....	۶۲
۱. مفاهیم و مفروضات.....	۶۲
۲. بومی سازی نظریه مرکز - پیرامون.....	۶۵
۳. نقد و بازسازی نظریه مرکز - پیرامون و تطبیق سازی ماردین.....	۷۵
جمع بندی.....	۹۲
۲. شکل گیری نزاع مرکز - پیرامون در دوره نظام تک حزبی و سیر تحول آن در نظام تکثرگرایی چند حزبی.....	۹۵
درآمد.....	۹۵

- ۹۷..... انقلاب فرانسه و امپراتوری عثمانی
- ۹۹..... اصلاحات سیاسی در امپراتوری عثمانی
- ۱۰۱..... جریان‌های فکری و سیاسی در دوره اواخر امپراتوری عثمانی
- ۱۰۳..... ۱. عثمانی‌گرایی
- ۱۰۴..... ۲. اسلام‌گرایی
- ۱۰۶..... ۳. پان‌ترکیسم
- ۱۰۸..... ۴. غرب‌گرایی
- ۱۱۰..... مرکز و پیرامون در امپراتوری عثمانی
- ۱۱۲..... تأسیس جمهوری ترکیه
- ۱۱۴..... بنیان‌گذاران نظام ارزشی مرکزی جدید
- ۱۱۷..... اندیشه سیاسی آتاتورک (۱۹۳۸-۱۸۸۱)
- ۱۱۹..... کمالیسم، به مثابه نظام ارزشی مرکزی نوین
- ۱۲۱..... ۱. پوزیتیویسم
- ۱۲۵..... ۲. ناسیونالیسم
- ۱۲۷..... ۳. سکولاریسم
- ۱۲۹..... ۴. جمهوری خواهی
- ۱۲۹..... ۵. مردم‌گرایی
- ۱۳۰..... ۶. انقلاب‌گرایی
- ۱۳۱..... ۷. دولت‌گرایی
- ۱۳۲..... کارنامه نظام ارزشی مرکزی کمالیستی
- ۱۳۹..... روابط مرکز - پیرامون در دوره نظام تک‌حزبی
- ۱۵۲..... پیامدهای استقرار نظام ارزشی مرکزی کمالیستی
- ۱۵۶..... نظام تک‌حزبی چندحزبی
- ۱۵۹..... تأسیس حزب دموکرات
- ۱۶۱..... دوره حاکمیت حزب دموکرات و دگرگونی‌های اجتماعی و سیاسی و اقتصادی
- ۱۶۴..... ۱. ویژگی‌های دولت حزب دموکرات

۲. کودتای ۲۷ مه ۱۹۶۰..... ۱۶۵
۳. قانون اساسی ۲۷ مه و بازسازی نظام ارزشی مرکزی کمالیستی ۱۶۷
۴. از کودتای ۱۲ مارس ۱۹۷۱ تا کودتای ۱۲ سپتامبر ۱۹۸۰..... ۱۷۴
۵. کودتای ۱۲ سپتامبر ۱۹۸۰..... ۱۷۷
۶. احزاب سیاسی و روابط مرکز-پیرامون پس از کودتای ۱۲ سپتامبر ۱۹۸۰ ... ۱۸۰
۳. حزب عدالت و توسعه ۱۸۹
- درآمد ۱۸۹
- علل و زمینه‌های تأسیس حزب عدالت و توسعه ۱۹۰
۱. ناکارآمدی اسلام سیاسی ۱۹۰
۲. شبه کودتای ۲۸ فوریه ۲۰۵
۳. بحران سیاسی ۲۱۳
۴. مطالبات گروه‌های اجتماعی متعلق به پیرامون ۲۱۶
۵. پسااسلام‌گرایی و نگرش انتقادی به گفتمان اسلام سیاسی ۲۲۹
- تأسیس حزب عدالت و توسعه ۲۳۸
- هویت سیاسی حزب عدالت و توسعه ۲۴۱
- پایگاه اجتماعی حزب عدالت و توسعه ۲۵۷
- اردوغان و عنصر رهبری در حزب عدالت و توسعه ۲۶۳
- اهداف حزب عدالت و توسعه ۲۷۱
۴. دگرگونی سیاسی در ترکیه و پیامدهای داخلی و خارجی آن ۲۸۱
- درآمد ۲۸۱
- علل و زمینه‌های دگرگونی سیاسی ۲۸۳
- دگرگونی سیاسی در دوره اول و دوم حاکمیت حزب عدالت و توسعه ۲۸۶
۱. تغییر پارادایم امنیتی و بهبودی حقوق بشر..... ۲۹۱
۲. تصفیه عناصر کودتاگر..... ۲۹۲
۳. اصلاحات حقوقی و ساختاری ۲۹۵
- پیامدهای دگرگونی سیاسی در دو دوره اولیه حاکمیت حزب عدالت و توسعه .. ۲۹۹

۱. ادغام اسلام‌گرایان در نظام سیاسی ۲۹۹
۲. تمایل به سبک زندگی لیبرال و سکولار میان اسلام‌گرایان ۳۰۲
۳. تغییر سیاست خارجی ۳۰۸
- دگرگونی سیاسی در دوره سوم حزب عدالت و توسعه ۳۱۱
۱. سیاست‌گذاری فرهنگی و ایجاد هژمونی ۳۱۷
۲. مسئله کُرد و عبور از رویه گفت‌وگو ۳۲۱
- پیامدهای دگرگونی سیاسی در دوره سوم حاکمیت حزب عدالت و توسعه ۳۲۷
۱. تغییر ماهیت نزاع سیاسی در ترکیه ۳۲۷
- الف) اعتراضات و تظاهرات میدان تقسیم ۳۲۹
- ب) ایجاد شکاف و آغاز درگیری بین اسلام‌گرایان ۳۳۴
- ج) شکل‌گیری پیرامون جدید توسط کُردها ۳۴۵
۲. تشدید قطب‌بندی قومی، مذهبی و سیاسی ۳۴۹
۳. تغییر سیاست خارجی ۳۵۴
۵. کودتای نافرجام ۱۵ ژوئیه ۳۶۳
- درآمد ۳۶۳
- شکل‌گیری کودتا ۳۶۵
- عوامل کودتای نافرجام ۱۵ ژوئیه ۳۶۷
- ابعاد خارجی کودتا ۳۷۴
- علل کودتا ۳۷۸
- علل ناکامی کودتا ۳۸۶
- پیامدهای داخلی و خارجی کودتای نافرجام ۱۵ ژوئیه ۳۹۵
- نتیجه‌گیری نهایی ۴۰۹
- کتابنامه ۴۲۹

پیش‌گفتار

ترکیه از مهم‌ترین کشورهای اسلامی است. این اهمیت، از عوامل مختلف ناشی می‌شود. وارث امپراتوری عثمانی بودن و به لحاظ جغرافیایی، قرار گرفتن میان مناطق بالکان، قفقاز و خاورمیانه و پل بودن میان شرق و غرب، از این عوامل به شمار می‌آید. این عوامل، ترکیه را از طرفی در جهان اسلام به‌عنوان کشوری ممتاز و صاحب نفوذ و از سوی دیگر، در نظام و روابط بین‌الملل، کشوری ژئواستراتژیک ساخته است.

جمهوری ترکیه، سال ۱۹۲۳ میلادی تأسیس شد. کمالیسم، به مثابه نظام ارزشی مرکزی و ایدئولوژی رسمی این کشور، ساختار دولت را معین نموده و تا ورود ترکیه به ناتو در تحولات سیاسی ترکیه، نقش اساسی را بازی کرده است. از آنجاکه در تأسیس دولت جدید، نظامیان نقش اساسی ایفا نموده‌اند، بعدها در طول تاریخ معاصر ترکیه، آنها در جایگاه محافظان نظام سکولار، بارها در سیاست دخالت کرده‌اند. البته دخالت نظامیان در سیاست و نقش پررنگ آنها در تاریخ سیاسی این کشور، در فرهنگ سیاسی ترک‌ها نیز ریشه دارد. این نظامیان، با رهبری آتاتورک در حزب جمهوری خواه خلق سازمان دهی شده و به صورت تک حزبی تا دوره تکثرگرایی حزبی با اصول کمالیسم، ترکیه را اداره نموده و بعدها نیز با

انجام کودتاها در سیاست دخالت کرده‌اند.

کمالیسم، شش اصل دارد و این شش اصل عبارت‌اند از: ناسیونالیسم، سکولاریسم، جمهوری خواهی، مردم‌گرایی، دولت‌گرایی و انقلاب‌گرایی. اگرچه کمالیسم دارای این شش اصل است، در عرصه عمل بعضی از این اصول از اصول دیگر سبقت گرفته و ماهیت کمالیسم را شکل داده‌اند. این اصول، در تعیین استراتژی‌های فرهنگی و سیاسی دولت نوپای جمهوری ترکیه، نقش اصلی ایفا کرده‌اند. ناسیونالیسم نژادی - آلمانی و ساختار دولت - ملت برگرفته از آن، سکولاریسم فرانسوی و پوزیتیویسم قرن نوزدهمی، اصول و ارزش‌های اساسی بودند که ماهیت دولت جدید را به عنوان نظام ارزشی مرکزی کمالیستی تعیین کرده‌اند. دولت جدید نیز برای برقراری آنها زیاد کوشید و آنها را بر جامعه سنتی ترکیه و اقشار پیرامونی با مهندسی‌های فرهنگی و سیاسی تحمیل کرد.

کمالیسم با رویکرد ناسیونالیسم نژادی - آلمانی و ساختار دولت - ملت برگرفته از آن، گُردها را به عنوان یکی از عناصر پیرامونی، در مقابل مرکز تهدید تلقی کرده و همگون‌سازی آنها را جزء سیاست‌های همیشگی و رسمی خود قرار داده است. همچنین کمالیسم با رویکرد سکولاریسم فرانسوی و پوزیتیویسم قرن نوزدهمی خود، جامعه سنتی و متدین ترکیه را که عنصر اصلی پیرامون به شمار می‌آیند، بر اساس دیدگاه‌های آگوست کنتی، در مرحله دین و خرافه‌باوری پنداشته و برای رساندن این جامعه به مرحله علم پوزیتیویستی، هرگونه سرکوب و مهندسی فرهنگی و سیاسی را برای خود جایز شمرده است. در نتیجه این رویکردها و سیاست‌ها، بین دولت و کردها و قشر متدین جامعه و به عبارت دیگر، بین مرکز و پیرامون

تضاد پدید آمده است. نظام ارزشی مرکزی کمالیستی، این دو قشر را همواره برای خود تهدید بالقوه دانسته و در راستای برطرف کردن این تهدید نیز سرمایه ملی کشور را به جای توسعه و پیشرفت کشور، در سرکوب و کنترل این قشرها به کار برده است.

کمالیسم با اصول یادشده‌اش، به منزله منبع نگرش و ارزش‌های مرکز، در تاریخ معاصر ترکیه، همیشه به‌عنوان ایدئولوژی رسمی دولت در تعیین سیاست‌ها و مشروعیت رجال و گروه‌های سیاسی اثرگذار بوده؛ اما با قرار گرفتن ترکیه در دکترین ترومن در ۱۹۴۷ میلادی و ورود ترکیه به ناتو در ۱۹۵۱، در ماهیت و ساختار سیاسی دولت ترکیه، تغییراتی صورت گرفته و این نیز تا حدودی در پایبندی دولت ترکیه به بعضی اصول کمالیسم، سستی و تزلزل ایجاد کرده است. از این تاریخ تا پایان جنگ سرد، برخلاف دوره تک‌حزبی، ترکیه از نظام تک‌حزبی به تکثرگرایی حزبی تغییر موضع داد، برای جلوگیری از نفوذ افکار و اندیشه‌های سوسیالیستی، سیاست‌های دین‌ستیزی تعدیل یافت، نزاع بین مرکز و پیرامون برای مدتی در حاشیه قرار گرفت، بخش خصوصی در اقتصاد فعال گردید و گروه‌های چپ و سوسیالیست در چهارچوب دکترین جنگ سرد، دشمن اصلی در نظر گرفته شد. اگرچه در این دوره، جامعه ترکیه دموکراسی نسبی را به خود دید، دخالت ارتش در سیاست و تشدید تضاد بین دولت و ملت برای سرکوب گسترده نیروهای چپ نیز از ویژگی‌های این دوره است.

در دهه هشتاد، سیاست‌های لیبرال اوزال، باعث تقویت بیشتر بخش خصوصی در حوزه اقتصاد شد و این نیز تقویت سازمان‌های غیر دولتی را به دنبال داشت و همچنین گرایش‌های لیبرال نزد نخبگان

کشور، بیش از پیش قدرت یافت. پس از جنگ سرد و فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، در دهه نود گرایش های لیبرال، بیشتر تقویت یافت و سازمان های غیر دولتی و نیروهای اجتماعی با اثرپذیری از فرایند جهانی شدن، مطالبات خود را با قدرت بیشتر مطرح کردند. برخلاف تحولات صورت گرفته در عرصه اجتماعی و اقتصادی ترکیه، دولت در این دوره نتوانست خود را از ساختار، رویکرد و سیاست های دوره جنگ سرد تصفیه کند و این نیز باعث تشدید دوباره نزاع بین مرکز و پیرامون و پیدایش بحران های اقتصادی و سیاسی شد. در چنین وضعیتی، نیروهای جدید سیاسی با ارزیابی دقیق اوضاع جهانی و بین المللی و شناسایی مشکلات و ظرفیت های کشور، با رویکردی نوین، حزب عدالت و توسعه را تأسیس کردند و در اولین انتخابات در نوامبر ۲۰۰۲ با پیروزی کم سابقه ای به تنهایی و بدون ائتلافی با حزب دیگر توانستند دولتی را تشکیل دهند.

حزب عدالت و توسعه، به رهبری رجب طیب اردوغان در انتخابات ۲۰۰۷ و ۲۰۱۱ نیز با افزایش آرای خود به پیروزی هایش ادامه داد. در طول حاکمیت حزب عدالت و توسعه در این سه دوره، ترکیه به لحاظ اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی، دچار دگرگونی های اساسی شد. انتقال قدرت از نظامیان به غیر نظامیان و منتخبان مردم، تصفیه عوامل کودتاخواه و نیروهای خودسر، اصلاح قانون اساسی و ساختار قوه قضائیه، بازسازی نهادهای دولتی با رویکرد هویتی، به رسمیت شناختن حقوق اقلیت ها، طرح پروژه دموکراسی مبتنی بر هویت، رشد اقتصادی و ادغام اقتصاد ترکیه در اقتصاد جهان و ارائه سکولاریسم نوع

آنگلوساکسونی، از مهم‌ترین دگرگونی‌هایی است که حزب عدالت و توسعه در عرصه‌های مختلف آنها را محقق ساخت. به عبارت دیگر، در این دوره با انجام اصلاحاتی اساسی در نگرش و ساختارهای دولتی به عنوان مرکز، نزاع بین مرکز و پیرامون در تاریخ معاصر ترکیه به حداقل رسید. اگر مجموعه این تحولات سیاسی با لوازش در نظر گرفته شود، اهمیت آن کمتر از انقلاب ارزیابی نخواهد شد. این تغییر و تحولات سیاسی‌ای که به مثابه انقلاب است، بدون اتکا به خشونت و درگیری مردم با دولت صورت گرفت، و به شکل مسالمت‌آمیز، بازیگران قدرت و ساختار سیاسی، تغییر یافت. بنابراین، ماهیت یا ابعاد و چگونگی دگرگونی سیاسی صورت‌گرفته در ترکیه و پیامدهای داخلی و خارجی آن، مسئله اصلی تحقیق حاضر را تشکیل می‌دهد. به این منظور، در تحقیق ابتدا علل، زمینه، ابعاد و ماهیت این دگرگونی سیاسی تحلیل خواهد شد و پس از آن نیز پیامدهای داخلی و خارجی این دگرگونی در عرصه‌های مختلف، به همراه تحلیل خواهد آمد.

تبیین و تحلیل این دگرگونی سیاسی و پیامدهای داخلی و خارجی آن، به دو دلیل حائز اهمیت است: اول، این که وضعیت آینده فرهنگی، اقتصادی و سیاسی جامعه ترکیه و نوع تعامل دولت ترکیه با کشورهای اسلامی، ارتباط مستقیم با این دگرگونی سیاسی و پیامدهای بالقوه و بالفعل داخلی و خارجی آن دارد. بنابراین، واکاوی ماهیت، دامنه و ابعاد این دگرگونی سیاسی و توسعه و شناسایی پیامدهای این دگرگونی سیاسی، از اهمیت خاصی برخوردار است. ازسوی دیگر، این دگرگونی سیاسی به لحاظ دامنه، ابعاد و پیامدهایش، به مثابه انقلاب است؛ ولی

این انقلاب، بدون اتکا به خشونت و درگیری بین مردم و دولت صورت گرفته است. به دلیل همین مسئله، تحقیق حاضر با تحلیل این دگرگونی سیاسی، می‌تواند به نظریه‌پردازی‌ها در این زمینه کمک کند و ادبیات دگرگونی سیاسی را در علوم سیاسی غنی‌تر سازد.

اگرچه این ادله اهمیت موضوع را به اندازه کافی روشن می‌سازد، ضرورت انجام آن را توجیه نمی‌کند؛ زیرا درباره انجام هر تحقیقی، علاوه بر اهمیت، فایده عملی آن و جواب‌گویی به نیازها نیز اهمیت خاصی دارد و مراد از ضرورت انجام یک پژوهش نیز در همین نقطه نهفته است. به این معنا انجام پژوهش حاضر نیز به دو علت ضرورت دارد: اول، این‌که این دگرگونی، فرصت‌ها و چالش‌هایی را برای نیروهای اجتماعی ترکیه پدید آورده است. برای استفاده از فرصت‌های حاصل از این دگرگونی و غلبه یافتن بر چالش‌های آن، شناخت ماهیت، ابعاد و علل این دگرگونی ضرورت دارد. علت دوم هم به سیاست خارجی ترکیه در دوره حزب عدالت و توسعه برمی‌گردد که این کشور، در سال‌های اخیر با مطرح ساختن رویکرد نوعثمانی‌گرایی در سیاست خارجی‌اش، سیاست‌های جدیدی را برگزیده و به عنوان الگو و مدل جدید، خود را مطرح ساخته است. شناخت این مدل جدید و پیش‌بینی پیامدهای حاصل از سیاست نوعثمانی‌گرایی برای کشورهای منطقه، انجام تحقیق حاضر را ضروری می‌کند. به این ترتیب، با توجه به اهمیت و ضرورت موضوع پژوهش حاضر، توضیح و تبیین ماهیت، دامنه، ابعاد و جهت دگرگونی سیاسی در ترکیه که در زمان حزب عدالت و توسعه به وقوع پیوست و همچنین توضیح و تحلیل پیامدهای داخلی و خارجی این دگرگونی سیاسی، از اهداف اصلی تحقیق است.

برای نائل شدن به این اهداف نیز سؤال «ماهیت و جهت‌گیری دگرگونی سیاسی که در زمان حزب عدالت و توسعه در ترکیه به وقوع پیوست، چیست و این دگرگونی در عرصه داخل و خارج کشور، چه پیامدهایی دارد»، به‌عنوان سؤال اصلی مطرح شده است و سؤالاتی چون روش و چهارچوب نظری مناسب برای فهم و درک تحولات سیاسی معاصر ترکیه و دگرگونی سیاسی صورت‌گرفته در دوره حزب عدالت و توسعه چیست، شکل‌گیری نزاع مرکز-پیرامون در دوره نظام تک‌حزبی و سیر تحول آن در دوره نظام تک‌حزبی در ترکیه چگونه بوده است، علل و زمینه‌های تأسیس حزب عدالت و توسعه و عناصر تشکیل‌دهنده ماهیت آن کدام‌اند، صورت‌بندی و جهت‌گیری دگرگونی سیاسی که در دوره حزب عدالت و توسعه در ترکیه صورت گرفته، چگونه است و پیامدهای داخلی و خارجی آن کدام‌اند، به‌عنوان سؤالات فرعی پژوهش حاضر تدوین شده است.

در راستای پاسخ به این پرسش‌های اصلی و فرعی، در نتیجه مطالعه اکتشافی صورت‌گرفته و یافته‌ها، این فرضیه تدوین شده است: ماهیت و جهت‌گیری دگرگونی سیاسی که در زمان حزب عدالت و توسعه در ترکیه به وقوع پیوست، در دو دوره اول حاکمیت این حزب، متناسب با مطالبات پیرامون و نظام ارزشی دموکراسی محافظه‌کار، دموکراتیک بوده و در دوره سوم حاکمیت آن نیز متناسب با نظام ارزشی نوع‌ثمانی‌گرایی، اقتدارگرایانه به شمار می‌آید که مجموعه این دگرگونی‌ها در عرصه داخلی در چهارچوب نظریه مرکز - پیرامون، به مصادره مرکز توسط اسلام‌گرایان به نمایندگی از پیرامون انجامیده و در عرصه خارجی نیز متناسب با نظام

ارزشی دموکراسی محافظه‌کار در دو دوره اولیه، باعث اعمال دکتترین صفرتنش با همسایگان شده و در دوره سوم نیز متناسب با نظام ارزشی نوعثمانی‌گرایی، به‌کارگیری سیاست خارجی ایدئولوژیک و مداخله‌گر را به دنبال داشته است.

درباره حزب عدالت و توسعه و همچنین دگرگونی سیاسی در ترکیه در دوره روی کار آمدن این حزب، پژوهش‌های متعددی به زبان‌های مختلف و به شکل مقاله و کتاب صورت گرفته، که هم برای نقد ادبیات موضوع و آشنایی به پیشینه تحقیق و هم به منظور آشکار نمودن وجوه متمایز پژوهش حاضر، اشاره به دیدگاه‌ها و پژوهش‌هایی که در این زمینه انجام شده است، اهمیت و ضرورت دارد. در این باب، به‌طور کلی دیدگاه‌هایی که درباره حزب عدالت و توسعه تا کنون مطرح شده است، به نظر می‌رسد در سه دسته قابل تقسیم‌بندی باشد.

دیدگاه‌های دسته اول، مربوط به تحلیلگران حامی حزب عدالت و توسعه است. از دیدگاه این تحلیلگران، اهداف حزب عدالت و توسعه در نام آن مشخص و معین شده است. بنابراین، اهداف اصلی حزب عدالت و توسعه، در راستای تحقق حقوق و آزادی و بهبود یافتن وضع اقتصادی در کشور، برقراری عدالت و ایجاد توسعه است. از این رو، هنگام ارزیابی کامیابی حزب عدالت و توسعه نیز باید این دو عنصر، معیار سنجش در نظر گرفته شود (Altum, 2009: 21). برای مثال، کتاب سکولاریسم و دموکراسی اسلامی در ترکیه که هاکان یاوز آن را نگاشته، با این دسته از دیدگاه‌ها هماهنگ است. یاوز در مقدمه کتاب، با این پرسش اصلی پژوهشش را آغاز می‌کند:

آیا امکان تبدیل جنبش‌های سیاسی ملهم از دین (اسلامی) به عوامل پدیدآورنده باورها (ایدئولوژی) و نهادهای سکولار در فرایندی از اصلاحات درونی و سکولارسازی، لازمه پایه‌گذاری نظامی لیبرال و دموکراتیک در جوامع اسلامی است؟ (یاووز، ۱۳۸۹: ۱۱).

در پاسخ این پرسش، یاووز نظرش را چنین بیان می‌کند:

باور اساسی من، این است که حضور گروه‌های دینی تندرو در یک نظام سیاسی رقابتی، مشارکتی و قانون‌محور، موجب تعدیل رفتار و ایدئولوژی آنان خواهد شد و گشادگی سیاسی چنین نظامی، با ایجاد واکنشی غیر ارادی، به تعدیل تدریجی جزم‌اندیشی‌های دینی و مواضع سیاسی گروه‌های دینی خواهد انجامید. این فرایند به نوبه خود، ضمن فراهم ساختن زمینه تبادل مستقیم بین نیروهای قطبی شده سکولار و مذهبی در مجاری گوناگون تعامل سپهرهای سیاسی و عمومی، در نهایت با فرسایش تدریجی موانع سخت یکپارچه سیاسی - اجتماعی، دیواره برهانی میان این نیروها را فرو خواهد ریخت. افزون بر آن، گذار مسالمت‌آمیز به سیاست‌ورزی کثرت‌گرا و دموکراتیک، با وجود دو شرط تسهیل خواهد شد: بازاری لیبرال، کارآمد و مالیات - محور؛ و سپهر عمومی منعطف و نفوذپذیری که به تداخل و غنی‌سازی ارزش‌ها و هویت‌های متضاد میدان دهد (همان، ۱۱-۱۲).

از دیدگاه او چنین تغییر و تحولی در کشورهایی همچون ترکیه، مالزی و اندونزی به وقوع پیوسته است. در این کشورها جنبش‌های سیاسی اسلامی با فاصله‌گیری از ایدئولوژی و اندیشه‌های رادیکال خود به مواضع دموکراتیک تمایل یافته‌اند و کتاب حاضر نیز درحقیقت، چگونگی و چرایی این تغییر و تحول را بررسی می‌کند (همان).

یاووز به لحاظ روش شناختی، برای اثبات ادعا و فرضیه اش رهیافت ساختار-کارگزار را برمیگزیند و با استفاده از این رهیافت، می‌کوشد چگونگی پیدایش یک حزب لیبرال-دموکرات با پیشینه گفتمان دینی را توضیح دهد. وی از سوئی، با برجسته نمودن اوضاع سیاسی، اجتماعی و اقتصادی به عنوان ساختار و از سوی دیگر، با پررنگ قرار دادن نقش رهبران دینی و دین داران به عنوان کارگزاران، کوشیده است تا وضعیت به وجود آمده را توضیح دهد و علل و زمینه های گفتمان جدید دینی و گرایش های جدید سیاسی لیبرال را تبیین کند (یاووز، ۱۳۸۹: ۱۲-۱۳). از دیدگاه وی، مسائلی همچون مشارکت سیاسی، سیاست های اقتصادی نولیبرال و توسعه بازار، به منزله علل ساختاری، باعث فاصله گرفتن جنبش سیاسی اسلامی ترکیه از گرایش های رادیکال دینی شده و به این معنا به مرحله ای از تکامل رسیده است. وی تحولات صورت گرفته را به دو دلیل، انقلاب محافظه کارانه می‌داند: اول این که در این انقلاب، تغییر و تحولات اجتماعی بر تغییر و تحولات سیاسی مقدم اند و در شکل گیری و هدایت آن، جامعه مدنی نقش اساسی را ایفا کرده است. دوم این که اسلام با دولت حزب عدالت و توسعه، به مرجع مناقشه ناپذیر هویت ترکیه تبدیل شده (یاووز، ۱۳۸۹: ۱۷).

یاووز در صفحه ۳۷ کتابش می‌گوید: «به طور خلاصه، رؤیای حزب عدالت و توسعه، بازسازی سیاست ها، در راستای هویت و نیاز جامعه مدنی است». درباره کتاب و دیدگاه های یاووز، به لحاظ انتقادی چند نکته درخور توجه است. نکته اول: این کتاب، بیشتر به چگونگی تأسیس حزب عدالت و توسعه و عوامل اثرگذار در پیدایش این حزب پرداخته

است. نویسنده، عوامل اثرگذار را به مسائل داخلی محدود ساخته و به عوامل جهانی و بین‌المللی اشاره نکرده است. نکته دوم: کتاب، تقریباً تحولات سیاسی را تا انتخابات ۲۰۰۷ پوشش داده؛ اما تحولات بعدی را که از اهمیت خاصی برخوردار است دربرنگرفته. نکته سوم: یاووز، تضاد بین اسلام‌گرایی و سکولاریسم را مسئله اصلی سیاست ترکیه پنداشته؛ در حالی که نزاع و مسئله اصلی سیاست در ترکیه، در حال دگرگون شدن است. نکته سوم: یاووز به ماهیت ناسیونالیسم کمالیست و طرف‌داران این فکر در کتابش اشاره نکرده. نکته چهارم: از آنجاکه کتاب تحولات سیاسی ۲۰۰۷ به بعد را پوشش نداده است، مذاکرات دولت ترکیه با پ. ک. ک (حزب کارگر کردستان)، اعلام پایان مبارزه مسلحانه توسط اوجلان و طرح ایده شهروندی دموکراتیک برای رفع معضل کردی در ترکیه، مورد بحث قرار نگرفته است. نکته پنجم: کتاب به بعد نوع‌ثمانی‌گرایی سیاست خارجی ترکیه پرداخته؛ و همچنین موضع ترکیه را در قبال انقلاب‌های عربی تحلیل نکرده است.

دیدگاه‌های دسته دوم به کمالیست‌ها و طرف‌داران حزب جمهوری خواه خلق مربوط به شود. از دیدگاه کمالیست‌ها، حزب عدالت و توسعه، به دلیل محدودیت‌های قانونی، نیت و اهداف سیاسی اش را شفاف بیان نمی‌کند و با استفاده از تجربه تلخ حزب رفاه، به ظاهر از فاصله‌گیری از اسلام سیاسی سخن می‌گوید؛ ولی این درحقیقت، تقیه‌ای بیش نیست. بنابراین، اهداف حزب عدالت و توسعه، همان پروژه اسلام سیاسی است و این حزب با برنامه‌ای بلندمدت و گام‌به‌گام، حاکمیت شریعت اسلامی و تسخیر دولت را به عنوان هدف اصلی و تقویم پنهان در

برنامه خود گنجانده است (Balbay, 2003). برای مثال، کتاب *حزب اسلامی و چشم‌انداز لائیسیته در ترکیه* نیز با این رویکرد نوشته شده است. نوژن اعتضاد السلطنه، نویسنده کتاب، با به‌کارگیری رهیافت نهادی و با استفاده از مبانی حقوقی و تاریخی کشور ترکیه، می‌کوشد فرضیه خود را اثبات کند. در ضمن، بررسی جامعه‌شناختی و توجه به بُعد جامعه‌شناسی سیاسی ترکیه نیز از دید نگارنده از امتیازات کتاب به شمار می‌آید. نویسنده می‌کوشد با به‌کارگیری نظریه «تضاد» برای بیان اختلاف میان «شهر» و «روستا» میان «سنتی» و «مدرن» و چالش‌های به‌وجودآمده بر اثر تصادم آنان با یکدیگر، مسائل ترکیه را در رابطه با موضوع مورد نظر تحلیل کند (اعتضاد السلطنه، ۱۳۹۱: ۱۷-۱۸).

نویسنده، پرسش اصلی خود را با عبارت «روی کار آمدن حزب عدالت و توسعه چه تأثیری بر لائیسیته در ترکیه گذاشته است»، طرح کرده و با پرسش‌های فرعی همچون لائیسیته چیست و تفاوت آن با سکولاریسم چیست؛ حزب عدالت و توسعه، بیشتر گرایش اسلامی دارد یا لیبرال؛ تفاوت و شباهت‌های احزاب اسلام‌گرایان ترکیه از گذشته تا حال در سیر تحولات تاریخی چه بوده است؛ و طبقات متوسط مذهبی و سرمایه‌داران مذهبی ترک، چه نقشی در به قدرت رسیدن حزب عدالت و توسعه و روند پس از آن داشته‌اند، پژوهش خود را سامان داده است (اعتضاد السلطنه، ۱۳۹۱: ۲۰). وی با مفروض گرفتن این مسئله که حکومت لائیک در پی جدا ساختن کامل مذهب از دولت بوده است، حال با به قدرت رسیدن حزبی اسلامی در ترکیه و وجود بسترهای مذهبی در بخشی از آن جامعه، اصل لائیسیته در آن کشور به چالش کشیده شده

است، فرضیه خود را چنین بیان می‌کند:

حزب عدالت و توسعه، با ایجاد پایگاه در درون توده‌های روستایی و طبقه متوسط شهری مذهبی آن کشور، در پی آن است تا به صورت تدریجی، جامعه را مذهبی‌تر نماید؛ تا از این طریق، نه تنها از به قدرت رسیدن مجدد احزاب لائیک جلوگیری نماید، که اصل لائیسسته ترکیه را نیز هرچه بیشتر به حاشیه براند. (اعتضاد السلطنه، ۱۳۹۱: ۲۱).

درباره این کتاب و دیدگاه‌های نویسنده آن نیز چند نکته انتقادی به نظر می‌رسد. نکته اول: نویسنده در صفحه ۲۶۴ چنین می‌گوید:

سیاست ترکیه و تمایل آن کشور به نزدیکی به کشورهای خاورمیانه، مسئله‌ای حساس در روابط دوجانبه ایالات متحده و ترکیه خواهد بود. افزایش منافع ملی ترکیه در خاورمیانه، می‌تواند پایگاه هوایی آمریکا در ترکیه را به خطر بیندازد و ایالات متحده را مجبور سازد تا به دنبال متحدی تازه باشد.

معلوم نیست نویسنده، این ادعا را بر اساس چه دلیلی بیان می‌کند؛ زیرا افزایش منافع ملی ترکیه در خاورمیانه به مثابه کشوری سکولار، دموکراتیک، لیبرال و عضو ناتو، تقابل جدی با آمریکا ایجاد نمی‌کند. احمد داوود اغلو، وزیر خارجه قبلی و نخست‌وزیر فعلی ترکیه، همکاری با آمریکا را در قالب همکاری استراتژیک دو کشور تعریف کرده و این نوهمکاری نیز باعث افزایش همکاری‌های دو کشور در منطقه شده است. نکته دوم: نویسنده در صفحه ۲۶۵ درباره تلاش ترکیه برای عضویت در اتحادیه اروپا می‌گوید:

حزب عدالت و توسعه، از مسئله «تلاش در جهت عضویت در

اتحادیه اروپا»، به عنوان ابزاری در جهت پیگیری اهداف خود در داخل (که عده‌ای اسلامیزاسیون جامعه ترکیه را نیز از آن جمله می‌دانند) استفاده می‌کند و ارتش و نهادهای لائیک نیز در این زمینه، تا کنون از خود خویشتن‌داری نشان داده‌اند و علیه دولت اسلام‌گرا اقدام جدی‌ای را صورت نداده‌اند... گرچه حزب عدالت و توسعه، پس از به قدرت رسیدن، در تقویت صاحبان صنایع و موضع حمایت از عضویت در اتحادیه اروپا اشتیاق زائدالوصفی از خود نشان داد، اما روندهای بعدی نشان داد که ترکیه مایل است تا به کشورهای اسلامی، بیش از پیش نزدیک شود و تا حدود زیادی سیاست‌گرایی به شرق اربکان را در اولویت قرار دهد.

از مجموعه گفتارهای نویسنده، چنین فهمیده می‌شود که وی تلاش ترکیه برای عضویت در اتحادیه اروپا را امر تاکتیکی می‌داند؛ حال این‌که این مسئله برای ترکیه، هدفی استراتژیک است. اگرچه حزب عدالت و توسعه با اجرای موازین کپنهاک در ترکیه در راستای دموکراتیزاسیون قدم‌های مهمی را برداشته است، این به معنای ابزار بودن عضویت اتحادیه اروپا نیست؛ بلکه حزب عدالت و توسعه و رهبر آن، رجب طیب اردوغان، منافع استراتژیک ترکیه را به طور هم‌زمان در عضویت اتحادیه اروپا و فعال بودن در منطقه خاورمیانه می‌بیند.

نکته سوم: اعتضادالسلطنه در صفحه ۲۶۶ نیز درباره اسلام‌گرایی طبقه سنتی و مذهبی ترکیه، اردوغان و عبدالله گل قضاوتی می‌کند و چنین می‌نویسد:

این نگاه، غیر عمقی است اگر گمان شود که طبقه سنتی و مذهبی ترکیه، برخلاف سایر مسلمانان متعهد در سراسر جهان،

«مشروعیت» حکومتی با ساختار لائیک را پذیرفته است و افرادی چون اردوغان و عبدالله گل با سابقه ضدیت با نظام لائیک در پیشینه‌شان تغییر ماهیت یافته‌اند. اگر تاکنون به ظاهر همزیستی مسالمت‌آمیزی بین لائیک‌ها و مذهب‌یون ترکیه دیده شده است، به سبب عدم وجود امکانات و شرایط لازم در وضعیت کنونی برای کسب کامل قدرت سیاسی و اعلام تشکیل دولتی رسمی اسلامی از سوی آنان بوده است.

نویسنده در این موضوع، با اطلاعات و برداشت‌های سطحی، ادعا و قضاوت قطعی کرده است؛ زیرا در جامعه ترکیه، برای تشکیل دولت رسمی اسلامی، هیچ مطالبه‌ای جدی وجود ندارد (یاووز، ۱۳۸۹: ۷۷) و نمایندگان سیاسی قشر سنتی و دینی جامعه چون اردوغان و عبدالله گل، مواضعشان را در عبور از اسلام‌گرایی به معنای ایدئولوژیک و سیاسی آن اعلام نموده و ضرورت سکولار ماندن دولت را به معنای بی‌طرف بودن دولت در قبال همه ادیان، مذاهب و اندیشه‌ها بیان کرده‌اند.

نکته چهارم: در کل، نویسنده نزاع اصلی در ترکیه را بین سکولارها و اسلام‌گرایان می‌داند؛ حال آن‌که این برداشت، دور از حقیقت است؛ زیرا نزاع اصلی سیاسی در ترکیه تا ۲۰۱۱ میلادی، بین ناسیونالیست‌های کمالیست (اولوسالچی‌ها) و نیروهای سیاسی بود که با حفظ هویت و فرهنگ ملی، از ادغام سیاسی و اقتصادی ترکیه در فرایند جهانی شدن دفاع می‌کردند و پس از این تاریخ نیز ماهیت نزاع سیاسی، تغییر یافته است.

دیدگاه‌های دست سوم را بیشتر تحلیل‌گران و اندیشمندان چپ‌گرا و سوسیالیست بیان کرده‌اند. به نظر این گروه، حزب عدالت و توسعه، برای ادغام کردن محافظه‌کاری اسلامی و نئولیبرالیسم به قدرت رسیده و از

حمایت‌های اқشار بورژوازی و سرمایه سبز طریقت و جماعت‌های اسلام برخوردار بوده است. از این لحاظ، حزب عدالت و توسعه پنج هدف اصلی و مهم دارد که عبارت‌اند از:

۱. تکمیل اصلاحات ساختاری موج دوم نئولیبرالیسم، که کمال درویش آن را آغاز کرده بود، ولی به بن‌بست رسیده بود.

۲. با بسیج اجتماعی نوع محافظه‌کارانه و اسلام‌گرایانه، توجیه کردن مشکلات و معضلات حاصل از نئولیبرالیسم.

۳. تحقق بخشیدن به عضویت در اتحادیه اروپا که سرمایه‌داران استانبول و نهاد امنیت ملی، آن را به عنوان اولین استراتژی مطرح ساخته است.

۴. برقراری رابطه استراتژیک با امریکا در زمینه اجرای «پروژه خاورمیانه بزرگ» و توجیه این پروژه نزد اسلام‌گرایان.

۵. ادغام اسلام‌گرایان در نظام سیاسی سکولار (Doğan, 2010: 86).
با توجه به این مطالب که در باب نقد ادبیات و پیشینه موضوع بیان شد، به نظر می‌رسد که مطالب ذیل، جزء نوآوری‌های تحقیق حاضر باشد که در جاهای دیگر به آنها پرداخته نشده است:

۱. از بدو تأسیس جمهوری ترکیه تاکنون، سه تغییر و تحول سیاسی اساسی به وقوع پیوسته است که عبارت‌اند از: تأسیس جمهوری ترکیه بر اساس الگوی دولت - ملت و کمالیسم، ورود به سازمان ناتو، و دگرگونی سیاسی در زمان حزب عدالت و توسعه. هر سه تغییر، دارای یک ویژگی مشترک است و آن این است که بازیگران سیاسی ترکیه، همیشه منافع خود را در تابعیت از تغییر و تحول سیاسی و اجتماعی غرب می‌بینند.

۲. تغییر و تحولاتی که در دوره کمالیسم و در دوره جنگ سرد به وقوع پیوست، دگرگونی‌هایی بود که از بالا و با مهندسی‌های سیاسی به مردم تحمیل شد؛ ولی دگرگونی سومی که در زمان حزب عدالت و توسعه تحقق یافت، با انتخاب مردم و در فرایندی طبیعی صورت گرفت.

۳. در دگرگونی سیاسی ترکیه که در زمان حزب عدالت و توسعه تحقق یافت، مجموعه عوامل داخلی مانند مطالبات نیروهای اجتماعی، بورژوازی نوین و کارگزاری حزب عدالت و توسعه و همچنین عوامل بیرونی نظیر سخت‌گیری‌های اتحادیه اروپا، نظم نوین بین‌المللی و جهانی شدن، به‌طور شگفت‌انگیز دست‌به‌دست هم دادند و با هماهنگی اتفاقی، زمینه را برای تغییر و تحول سیاسی در ترکیه فراهم ساختند.

۴. مرکز را پیرامون مصادره کرده است.

۵. سیاست خارجی ترکیه، به‌ویژه در امور خاورمیانه متغیر بوده و از الگوهای متفاوت گفتمانی تبعیت کرده است.

با این رویکرد جدید به پژوهش حاضر، مفاهیمی چون کمالیسم، ناسیونالیسم کمالیستی، سکولاریسم، جنگ سرد، جهانی شدن، نیروهای اجتماعی، دگرگونی سیاسی و نوع‌گمانی‌گرایی در تبیین و تحلیل موضوع از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است و به این دلیل، تعریف این مفاهیم و مراد از آنها در این پژوهش نیز ضروری به نظر می‌رسد.

کمالیسم، به مجموعه‌ای از اصول و جهان‌بینی‌ای اطلاق می‌شود که با الهام‌گیری از تمدن غرب و با تغییر ساختاری عناصر باقی‌مانده از امپراتوری عثمانی، در راستای ایجاد جامعه و دولتی جدید توسط مصطفی کمال آتاتورک تدوین گردیده و ایدئولوژی رسمی دولت ترکیه اعلام شده است. این

اصول عبارت‌اند از: ناسیونالیسم، سکولاریسم، جمهوری خواهی، مردم‌گرایی، دولت‌گرایی و انقلاب‌گرایی (Mardin, 2006: 181).

ناسیونالیسم کمالیستی نیز به مهندسی اجتماعی اطلاق می‌شود که روشنفکران کمالیست در راستای ایجاد جامعه‌ای جدید طرح و اجرا کرده‌اند (Mardin, 1991: 197)؛ به عبارت دیگر ناسیونالیسم کمالیستی، مجموعه سیاست‌های لازم برای بقای جمهوری ترکیه است (Insel, 19: 2009). این نوع ناسیونالیسم با الگوگیری از ناسیونالیسم آلمانی، دارای گرایش‌های نژادی است (Tunaya, 1989: 320).

سکولاریسم، از دیگر مفاهیم این پژوهش است. کلمه «سکولار» از واژه «سائکولوم» گرفته شده که به معنای عصر و قرن است. واژه سکولاریسم، بیشتر به عصر روشنگری در اواخر قرن هفدهم و هجدهم مربوط می‌شود. سکولاریسم، مدعی این است که دانش باید از استعداد و توانایی بشری اخذ شود، نه از دین و حیانی (یعنی متون مقدس دینی). به این معنی سکولاریسم، بیشتر مرتبط یا معادل فلسفه‌هایی همچون اومانیسم و طبیعت‌گرایی است. بنابراین، تفکر سکولار، فقط نظام‌های سیاسی مبتنی بر تصمیم‌های مردمی (انسانی) و عقل بشری را مشروع و معتبر می‌داند. امروزه، سکولاریسم در کشورهای مختلف به صورت‌های متفاوت اجرا می‌شود. برای مثال، کشور انگلستان یک دین رسمی و دولتی دارد؛ ولی نظام سیاسی این کشور در سطح کلان، سکولار به شمار می‌آید. از سوی دیگر، قانون اساسی ایالات متحده، داشتن یک دین رسمی را ممنوع می‌داند؛ ولی امریکا کشوری است که در آن اکثریت قابل توجهی از شهروندان به باورهای دینی خود اعتراف می‌کنند و شعارهای دینی را روی

ساختمان‌های عمومی این کشور می‌نویسند. از سوی دیگر، کشور فرانسه نیز سکولاریسم را متفاوت از این دو کشور تفسیر و اجرا می‌کند که از آن به عنوان «لایسیته» یاد می‌شود. این نوع سکولاریسم، در سپهر عمومی به شهروندان اجازه اظهار نمادهای دینی را نمی‌دهد (T. Gibbons, 2011: 1526 _ 1525). در پژوهش حاضر، مراد از سکولاریسم، نوع خاصی از سکولاریسم است که در ترکیه تفسیر و اجرا شده. ویژگی اصلی این نوع سکولاریسم، با مهندسی فرهنگی و سیاسی، شکل دادن به دولت، جامعه و فرد بوده است. این نوع سکولاریسم، با دین سازش ندارد، بلکه همچون سکولاریسم فرانسوی، دین ستیز است (Tanör, 1999: 191).

واژه «جنگ سرد» که دوره‌ای از ادوار تاریخ سیاسی معاصر ترکیه را پوشش می‌دهد، بیشتر به دوره رقابت و رویارویی (تنازع) ایالات متحده (و متحدانش) با اتحادیه جماهیر شوروی (و متحدانش) پس از پایان جنگ جهانی دوم (۱۹۳۹-۱۹۴۵) تا گرم شدن روابط این دو بلوک سیاسی در اواخر دهه هشتاد، وقتی که رهبر شوروی میخائیل گورباچف به اصلاحات روی آورد، اطلاق می‌شود (Bellamy, 2011: 261). در این تحقیق، جنگ سرد، به مثابه متغیری خارجی و اثرگذار در تحولات داخلی و خارجی سیاسی ترکیه از دهه پنجاه تا اواخر دهه هشتاد در نظر گرفته خواهد شد و در این زمینه، نقش و پیامدهای ورود به ناتو مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

واژه «جهانی شدن» نیز که بیشتر بر تحولات کلان در عرصه‌های مختلف پس از جنگ سرد دلالت دارد و به دلیل اثرگذاری اش بر تحولات خارجی و داخلی کشورها حائز اهمیت است، اولین بار در دهه شصت

برای توصیف یک فرایند، وضعیت، نظام، نیرو، و یک عصر و زمانه به کار رفت. جهانی شدن بر مجموعه‌ای از فرایندهای اجتماعی دلالت می‌کند که وضعیت اجتماعی فعلی ما را به یک وضعیت جهانی انتقال می‌دهد و باعث افزایش کنش و روابط متقابل بین آدم‌ها می‌گردد (B. Steger, 2011: 676 _ 677). به طور کلی، جهانی شدن فرایندی است که عواملی همچون ایده‌های نوین، فناوری اطلاعاتی، شرکت‌های چندملیتی، سازمان‌های غیر دولتی، نهادهای بین‌المللی و رسانه‌های محلی و بین‌المللی در آن نقش اساسی دارند.

در این فرایند، الگوهای خاص سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی به عنوان یک پروژه از طریق عوامل مذکور بر جهانیان تحمیل می‌شود یا جهانیان این الگوها را عقلی و منطقی می‌شمارند و آن را به عنوان فرایندی طبیعی می‌پذیرند. در تحقیق حاضر، جهانی شدن بیشتر به معنای جهانی شدن الگوهای فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی لیبرالیسم در نظر گرفته خواهد شد.

در مقابل عوامل خارجی و به‌ویژه جهانی شدن، نقش نیروهای اجتماعی در تغییر و تحولات بنیادی، به‌منزله یک عامل اساسی داخلی از نگاه جامعه‌شناسی سیاسی، بسیار مهم است. نیروهای اجتماعی، مجموعه طبقات و گروه‌هایی هستند که بر زندگی سیاسی به معنای کلی آن اثر می‌گذارند و ممکن است به شیوه مستقیم، قدرت سیاسی را در دست بگیرند یا به شیوه‌های مختلف در آن نفوذ کنند. نیروهای اجتماعی به این معنا اولاً مرکب از افرادی‌اند که وجوه همسانی از نظر علایق اقتصادی، ارزشی، فرهنگی، صنفی و جز آن داشته باشند و ثانیاً به شرکت در حیات

سیاسی علاقه‌مندند، و ثالثاً به این منظور به خود سازمان می‌دهند و آماده انجام عمل سیاسی می‌شوند (بشیریه، ۱۳۸۷: ۱۰۷).

در تکمیل منظومه مفهومی، مفهوم دگرگونی سیاسی نقش کلیدی دارد. در پژوهش حاضر، از عواملی چون مطالبات نیروهای اجتماعی، بحران‌های اقتصادی و سیاسی دهه نود، ظهور بورژوازی نوین و بازیگران جدید سیاسی، به‌عنوان علل و زمینه‌های دگرگونی سیاسی در ترکیه یاد خواهد شد. به این ترتیب، دگرگونی سیاسی نیز به مجموعه تغییر و تحولاتی اطلاق می‌شود که حزب عدالت و توسعه در عرصه‌های ایدئولوژیکی، ساختاری و نهادی دولت ترکیه صورت داده و پیامدهای داخلی و خارجی را به دنبال داشته است.

درباره بعد پیامدهای خارجی این دگرگونی سیاسی نیز واژه عثمانی‌گرایی، تبیین‌کننده مطالب مهمی است. این واژه، نخستین بار در اوایل دهه نود درباره بازسازی سیاست خارجی ترکیه پس از جنگ سرد به کار رفت و با به قدرت رسیدن حزب عدالت و توسعه در این کشور، برای توضیح افزایش نفوذ ترکیه در مناطق پیرامونی و تغییر یافتن هویت غرب‌محور سیاست خارجی ترکیه و تمایل پیدا کردن آن به کشورهای اسلامی، مطرح گردید. نوعثمانی‌گرایی در فضای سیاسی داخلی نیز بر بازتعریف شدن ایدئولوژی دولت، سیاست، جامعه و هویت بر محوریت عثمانی‌گرایی و اسلام‌گرایی دلالت دارد (Yeşiltaş ve Murat, 2011: 29). در تحقیق حاضر، عثمانی‌گرایی به رویکرد جدید سیاست خارجی ترکیه اطلاق می‌شود که با استفاده از ظرفیت‌های فرهنگی، تاریخی، جغرافیایی و اقتصادی، می‌کوشد هژمونی امپراتوری عثمانی را متناسب با اوضاع کنونی در منطقه احیا کند.

با محوریت این مفاهیم و پرسش‌های اصلی و فرعی یاد شده، به لحاظ روش‌شناختی، این تحقیق توصیفی-تحلیلی است و در راستای تبیین موضوع و اثبات فرضیه تحقیق از چهارچوب نظری مرکز-پیرامون ادوارد شیهلس استفاده کرده. گردآوری اطلاعات نیز به صورت کتابخانه‌ای و اسنادی است. در این راستا، مجموعه کتب و مقالات نوشته شده مربوط به موضوع حاضر، شناسایی و پس از آن، طبق اولویت، از آنها به روش فیش‌برداری استفاده شده است. فیش‌برداری‌ها بیشتر به روش کیفی، مقایسه‌ای و استدلالی مورد تحلیل قرار گرفته است. در ضمن، از آمارسنجی‌های مربوط به تحقیق حاضر نیز به‌عنوان مؤید فرضیه، بهره‌برداری شده است.

به‌طور مشخص، قلمرو تحقیق شامل سه دوره حاکمیت حزب عدالت و توسعه از سال ۲۰۰۲ تا ۲۰۱۵ است؛ ولی دو اتفاق سیاسی کودتای نافرجام ۱۵ ژوئیه ۲۰۱۶ و تصویب تغییر نظام پارلمانی به نظام ریاستی در همه‌پرسی ۱۶ آوریل ۲۰۱۷، به دلیل اهمیتشان، به‌عنوان یک فصل تکمیلی به بحث افزوده شده است. از سوی دیگر، آنجا که تحولات و دگرگونی سیاسی صورت گرفته در این سه دوره، تابع نزاع تاریخی بین مرکز و پیرامون بوده، به شکل‌گیری نزاع بین مرکز و پیرامون در دوره اواخر امپراتوری عثمانی و انتقال آن به دوره نظام تک‌حزبی و همچنین پیچیده شدن آن در دوره نظام تک‌حزب‌گرایی چندحزبی نیز پرداخته شده است. به این منظور، فصل دوم به توضیح و تحلیل شکل‌گیری و سیر تحول نزاع تاریخی مرکز-پیرامون اختصاص یافته است.

به این ترتیب، پژوهش حاضر از یک مقدمه، پنج فصل و نتیجه‌گیری

نهایی تشکیل یافته است. در فصل اول، مباحث نظری مربوط دگرگونی سیاسی ذکر شده است. در فصل دوم، شکل‌گیری نزاع مرکز-پیرامون در دوره نظام تک‌حزبی و سیر تحول آن در دوره نظام تک‌حزب‌گرایی چندحزبی، و در فصل سوم، علل و زمینه‌های تأسیس حزب عدالت و توسعه و عناصر تشکیل‌دهنده ماهیت آن مورد بحث قرار گرفته است. فصل چهارم، به بحث صورت‌بندی و جهت‌گیری دگرگونی سیاسی صورت‌گرفته در دوره حزب عدالت و توسعه و پیامدهای داخلی و خارجی آن اختصاص یافته است. در فصل پنجم نیز علل، عوامل و پیامدهای کودتای نافرجام ۱۵ ژوئیه تحلیل شده است.